

سلاح‌های شیمیایی آمریکا: نفاق، دسیسه و تاریخی فراموش شده

نویسنده: فلیسیتی آربوثنات

مترجم: رحمت‌الله جبارنیا

چکیده

در این مقاله سیاست آمریکا در قبال اتهام استفاده از سلاح‌های شیمیایی توسط دولت سوریه بررسی شده است. برای این منظور سیاست‌های آمریکا در قبال صدام، جنگ کویت و سپس حمله نیروهای ائتلاف به عراق بر مبنای یک توطئه دانسته شده و از بعضی از شواهد موجود در سخنان مقامات آمریکایی برای اثبات آن استفاده می‌شود. خیانت آمریکا به صدام، این متحد قدیمی‌اش هم بررسی و استفاده عراق از سلاح شیمیایی دست‌آویزی برای حمله به عراق دانسته می‌شود، در حالی که آمریکا خود در صدور این مواد به عراق نقش داشته است. نویسنده، تاریخچه واگذاری سلاح‌های شیمیایی آمریکا به عراق را بیان می‌کند تا گوشزد کند باید قبل از اتهام سوریه به استفاده از سلاح‌های شیمیایی، خود آمریکا مورد سؤال قرار گیرد.

کلیدواژگان: سلاح شیمیایی، جنگ عراق، کویت، آمریکا.

فرد در مقابل توطئه‌ای آن چنان بزرگ ناتوان شده است که حتی نمی‌تواند وجود آن را باور کند.

(J. Edgar Hoover, ۱۸۹۵-۱۹۷۲)

از آنجا که داستان‌های سلاح‌های کشتار جمعی که می‌توانند ظرف ۴۵ دقیقه به سمت اهداف غربی شلیک شوند، دیگر باورپذیر نیستند، سیاست عمومی دو طرف اقیانوس اطلس، داستان ترسناک جدیدی برای سوریه تدارک دیده است: سلاح شیمیایی.

این جمله استفان زون که «سیاست آمریکا در قبال سلاح‌های شیمیایی به قدری نامنسجم و سیاست‌زده است که آمریکا به هیچ روی قادر به هدایت پاسخی جهانی به استفاده از سلاح‌های شیمیایی توسط سوریه نیست»، کاملاً به‌جا می‌نماید.

حال همانند آمریکا ذخیره ۵۴۴۹ تنی سلاح‌های شیمیایی اسرائیل را که به سبب خطرهای ناشی از آن، تا سال ۲۰۲۱ هم نمی‌توان از شرشان خلاص شد، نادیده بگیرد (Japan Times, ۱۲th Sep. ۲۰۱۳).

با این حال، نیروهای سازمان منع سلاح‌های شیمیایی (OPCW) به شورشیان سوریه پیوستند و در کمتر از یک ماه تخریب وسایل حیاتی ساخت سلاح‌های شیمیایی را به پایان رساندند و آنها را غیر قابل استفاده اعلام

کردند .

رئیس جمهور سوریه، که کشورش تنها امسال پنج بار هدف اسرائیل قرار گرفت، اعلام کرده است که سلاح‌های او تنها جنبه دفاعی - یا در ادبیات جنگ سرد موازنه وحشت - داشته‌اند. این گونه به نظر می‌رسد تمام ملت‌ها از حق دفاع از خود برخوردارند مگر اینکه اکثر آنها مسلمان باشند. سوریه در مقابله با قدرت کشورهای لیبی موجودیتش را تهدید می‌کنند، اگر نه هدفی بی‌حرکت حداقل هدفی آسان است و باید متوجه سرنوشت لیبی هنگامی که تحت فشار قرار گرفت و عراق زمانی که مجبور به خلع سلاح شد، باشد .

تأکیدات اسد به صورتی کاملاً تصادفی، به اعلامیه‌ها و بیانات مقامات امریکا در ارتباط با سلاح‌های شیمیایی، در زمانی که قطعاً تهدیدی خارجی وجود نداشته است، شباهت دارد .

در ۲۸ مارس ۱۹۹۵ لوس آنجلس تایمز گزارش داد که یک مقام پنتاگون بیان کرده است دولت امریکا در حال تصمیم‌گیری برای وارد کردن فشار به دو شرکت شیمیایی مقاوم و سرسخت برای فروش یک عنصر مهم برای تهیه گاز اعصاب می‌باشد. ایالات متحده بیان کرده است که برای بازداري استفاده شوری از سلاح‌های شیمیایی در اروپای مرکزی، طی جنگی غیر اتمی که حتی وزیر دفاع وقت آن را بسیار بعید دانسته بود، به بمب‌های شیمیایی نیاز دارد .

این سخنان پس از سقوط دیوار برلین (در ۹ نوامبر ۱۹۸۹) و پانزده ماه پس از تعهد گورباچف به تعدیل پانصد هزار سرباز و کاهش حضور شوری در اروپای شرقی - که با هر معیاری دیده شود، مصالحه‌ای با امریکا پس از پنجاه سال خصومت می‌باشد - بیان شده‌اند .

با توجه به شرایط آن زمان، آیا ایالات متحده واقعاً نگران تهدیدی از طرف شوری بوده است یا اینکه دلیلی پنهانی وجود داشته است؟ سوتیتر مقاله روزنامه لس آنجلس تایمز این بوده است :

شرکت‌ها از فروش عناصر گاز اعصاب به ایالات متحده خودداری کرده‌اند. دو شرکت شیمیایی سیاست‌های شرکتی و اخلاق را بهانه کرده‌اند. ولی ممکن است پنتاگون برای اجبار آنها به فروش ترکیبات، به قانونی قدیمی استناد کند .

شرکت‌های اکسیدنتال و موبای بیان کرده‌اند که سیاست‌های شرکتی فروش موادی را که به اشاعه سلاح‌های شیمیایی منجر خواهند شد، ممنوع کرده است. هر دو شرکت از تحویل تیونیل کلراید - ماده صنعتی و کشاورزی مورد نیاز برای تولید گاز اعصاب - به وزارت دفاع، طفره رفته‌اند .

بنابراین دولت امریکا در حال بررسی طرحی برای مجبور کردن دو شرکت مخالف، به فروش ماده اصلی گاز اعصاب به پنتاگون است .

مقامات وزارت دفاع می‌گویند :

تنها این دو شرکت در ایالات متحده این عامل شیمیایی را به صورت تجاری تولید می‌کنند. بی‌میلی این شرکت‌ها به فروش، تولید نسل جدید سلاح‌های شیمیایی ایالات متحده را که از سال ۱۹۸۷ آغاز شده بود، متوقف خواهد کرد .

پنتاگون اعلام کرده است که ارتش برای تحقق اهدافش تا ماه ژوئن به ۱۶۰ هزار پوند از این عامل نیاز دارد.

مقامات دولت هم اعلام کرده‌اند که می‌توانند این دو شرکت را بر اساس قانون تولیدات دفاعی به فروش وادارند . این قانون در سال ۱۹۵۰ تصویب شده و بر اساس آن در مواد مورد نیاز جنگی، پنتاگون اولویت اول را دارد . پنتاگون چه جنگی را در نظر داشته است؟ در حالی که دولت جرج اچ دبلیو بوش در حال آماده‌سازی مقدمات مذاکره برای ممنوعیت جهانی تولید سلاح‌های شیمیایی بوده است و تنها چهار ماه قبل از آن بوش به گورباچف پیشنهاد داده بود که در اجلاس بعدی، دو ابر قدرت معاهده‌ای برای از بین بردن هشتاد درصد از سلاح‌های شیمیایی امضا کنند .

با این حال، یک مقام دولتی در ارتباط با مواد شیمیایی کشنده بیان می‌کند که اگر ایالات متحده قانون تولیدات دفاعی را به اجرا بگذارد، این شرکت‌ها پیام اهمیت این موضوع و تجدید نظر در سیاست‌هایشان را دریافت خواهند کرد .

آرماند هامر، رئیس و مدیر اجرایی شرکت نفتی اکسیدنتال، حامی ارتقای روابط امریکا با شوروی و منتقد سرعت عمل امریکا در تلاش برای کنترل تسلیحات بوده است .

نیو ساینتیست اعلام کرده است :

سخن‌گوی موبای (شاخه‌ای از شرکت عظیم بایر آلمان) بیان کرده است پنتاگون سفارش ۱۶۰ هزار پوند از تیونیل کلراید را برای تولید عامل اعصاب سارین به موبای داده و آن را تا ماه ژوئن نیاز داشته است. (۷ th April ۱۹۹۰)

این مسئول موبای قاطع بوده است: «ما به دولت گفته‌ایم که هیچ قصدی برای فروش تیونیل کلراید برای چنین مقاصدی نداریم.»

اما در ارتباط با هدف پنهانی، به نظر می‌رسد که این موضوع کمتر در مورد بازداری شوروی و بیشتر در ارتباط با عراق، ورشکسته اقتصادی و هدف مالی امریکا پس از جنگ ایران و عراق است .

در آن دوران و پس از جنگی که امریکا بر انگلیخته و سبب تخریب هر دو کشور عراق و کویت گردیده بود، عراق کویت را به حفاری موب در میدان‌های نفتی رمیله متهم می‌کند. به علاوه، پس از پایان جنگ نیز کویت از سهمیه اوپک خود تجاوز کرده و عراق ادعا می‌کند که علاوه بر حدود ۲/۴ میلیون دلار ضرر دوران جنگ از استخراج میلیون‌ها بشکه نفت و تصاحب مشتریان عراق، سالانه چهارده میلیارد دلار برای عراق، خسارت دربر داشته است .

صدام در جلسه سران اتحادیه عرب اعلام می‌کند :

«ما نمی‌توانیم این جنگ اقتصادی را تحمل کنیم. ما به نقطه‌ای رسیده‌ایم که نمی‌توانیم این فشارها را تحمل کنیم.»

دلیل او هر چه باشد، او مردی مغرور بوده است و این اعترافات حتماً برایش سخت بوده است . اینکه امریکا نمی‌دانسته است در آینده نزدیک چه اتفاقی خواهد افتاد، پذیرفتنی نیست. امریکا طی جنگ ایران و عراق تانکرهای نفتی کویت را برای حمایت در برابر ایران، با پرچم خود مشخص کرده بود و این تانکرها به همین وضعیت باقی مانده بودند. هر حمله‌ای به کویت، حمله به تحت‌الحمایه امریکا محسوب می‌شد .

جالب‌تر اینکه در واشینگتن نیز بعضی‌ها با دیدگاه صدام موافق بوده‌اند. هنری شولر، رئیس برنامه امنیت انرژی در مرکز مطالعات راهبردی و بین‌الملل واشینگتن، می‌گوید از دید عراقی‌ها رفتار دولت کویت تجاوزکارانه و یک جنگ اقتصادی بوده است.

آقای شولر می‌گوید:

اینکه او هیتلر است یا نه به کنار، او برای خود دلایلی دارد و مقامات امریکایی باید اهمیت اقتصادی و روانی میدان‌های نفتی رميله را برای عراقی‌ها و اینکه چرا سوءاستفاده کویت از آن علاوه بر میزان بالای تولید نفت آن، توهینی برای عراق بوده است، در نظر بگیرند.

او می‌گوید:

هیچ شخصی در جهان عرب مورد عراق را جالب توجه نمی‌داند و صاحب‌نظران هم همین گونه فکر می‌کنند. اگر مردم عراق احساس کنند که قربانی تجاوز هستند و خواست‌های مشروعشان با دخالت امریکا در حال از بین رفتن است، بیش از این مقاومت خواهند کرد.

در سال ۲۰۱۱، سرباز قدیمی و نماینده ده دوره‌ای کنگره، ران پاول، در مورد حفاری‌های اربیب توضیح می‌دهد که مارک زاپازور - تاریخ‌دان و مشاور امنیت ملی بوش پدر - بیان کرده است که وسایل حفاری اربیب از شرکت قدیمی برنت اسکوگرافت خریداری شده بوده‌اند. کویت حدود چهارده میلیارد دلار نفت از سرزمین‌های عراق برداشت کرده است. حفاری اربیب در تگزاس می‌تواند سبب کشته شدن شود و در غرب آسیا قطعاً برای شروع یک جنگ کافی است.

همان‌طور که برایان بکر در این مورد توضیح می‌دهد تنها کویت نیست که اقتصاد نحیف عراق را هدف قرار داده بود، خیانت امریکا به متحد ویران شده‌اش در منطقه کامل بوده است.

پس از تضعیف ایران، هدف بعدی تضعیف عراق و حصول اطمینان از تبدیل نشدن آن به قدرتی منطقه‌ای بوده است؛ قدرتی که می‌تواند سلطه امریکا را به چالش بکشد. پس از پایان جنگ، سیاست امریکا درباره عراق تغییر کرد و به شدت خصمانه شد. نحوه تغییر این سیاست کاملاً فاش‌کننده است و تمام نشانه‌های یک توطئه را دارد.

آتش‌بس بین ایران و عراق در ۲۰ آگوست ۱۹۸۸ آغاز شد و در ۸ سپتامبر ۱۹۸۸، سعدون حمادی وزیر خارجه عراق، ملاقاتی با وزیر خارجه امریکا، جرج شولز داشت. عراقی‌ها برای انتظار استقبال گرم در واشینگتن و دوره‌ای از همکاری‌های نزدیک‌تر در تجارت و صنعت، دلایل کافی داشتند.

دو ساعت قبل از ملاقات و بدون اطلاع حمادی، سخن‌گوی وزارت خارجه امریکا، چارلز ردمن، مصاحبه‌ای مطبوعاتی را فرا می‌خواند و ادعا می‌کند:

امریکا متقاعد شده است که عراق در برابر نیروهای کرد از سلاح شیمیایی استفاده کرده است... میزان استفاده مشخص نیست ولی در این زمینه هرگونه استفاده‌ای منجرکننده و غیر قابل تصور است. ما نگرانی شدید خود را به دولت عراق اعلام کرده‌ایم و آنها از مواضع ما در مورد توجیه‌ناپذیری و مردود بودن استفاده از سلاح‌های شیمیایی، به خوبی آگاهی دارند.

ردمن به هیچ مدرکی اشاره نمی‌کند و گمراه‌کننده‌تر از آن ظاهراً دولت عراق هم نسبت به این ادعاها آگاهی نداشته است .

وقتی حمادی به وزارت خارجه رسید، توسط رسانه‌هایی که در مورد قتل عام از او می‌پرسیدند، محاصره شد و قادر نبود پاسخی منسجم بدهد. او که متحیر شده بود بارها از خبرنگاران دلیل و اساس سؤال‌تشان را می‌پرسید .

ملاقات با شولز ملالت‌انگیز بوده و انتظارات عراق در ارتباط با کمک امریکا در بازسازی این کشور پس از جنگ با ایران، از دست رفته بود .

پس از ۲۴ ساعت از مصاحبه خبری ردمن، سنای امریکا به اجماع تحریم اقتصادی و ممنوعیت فروش فن‌آوری و غذا به عراق را تصویب کرد .

در حالی که محاصره اقتصادی و کشنده سازمان ملل بر عراق از آگوست ۱۹۹۰ به یاد آورده می‌شود، این خیانت امریکا به متحد سابقش و ویرانی اقتصادی آن فراموش شده است .

بنابراین علاوه بر خراب‌کاری و کارشکنی مالی کویت، از ۹ سپتامبر ۱۹۸۸، پیشینه‌ای دو ساله از آزار و اذیت اقتصادی از سوی دولت، رسانه‌ها و کنگره امریکا وجود داشته است .

به هر حال پس از مصاحبه خبری، در واشینگتن و وایت‌هال، تقریباً نطق‌های روزانه‌ای در مورد صدام مبنی بر اینکه او مردم خود را بمباران می‌کند و از سلاح‌های شیمیایی در برابر مردم خود استفاده می‌کند، وجود داشته است و طبل جنگ بلندتر کوبیده می‌شد .

ولی در واقع، وزیر دفاع امریکا، دونالد رامسفلد، به عراق برای ساخت سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیک کمک کرده بود. او به عنوان نماینده رئیس جمهور ریگان ملاقات‌هایی پنهانی با صدام داشته و مساعدت‌های بزرگ نظامی را در جنگش با ایران هماهنگ کرده بود... بررسی کمیته‌ای از سنا در مورد رابطه عراق و امریکا نشان داد که در میانه دهه ۱۹۸۰ و پس از ملاقات رامسفلد، عوامل شیمیایی بسیاری تحت نظر وزارت تجارت به عراق حمل شده‌اند .

این مواد شامل آنتراکس - که بعدها پنتاگون آن را عنصر اصلی برنامه بیولوژیک عراق معرفی کرده بود - نیز می‌شدند. وزارت تجارت نیز صادرات حشره‌کش‌ها را به عراق با وجود ظن قوی بر استفاده از آنها در ساخت سلاح‌های شیمیایی، تأیید کرد .

با افزایش فشارها، وقتی که در ۱۵ مارس ۱۹۹۰ عراق فرزند بازفت روزنامه‌نگار ایرانی تبار روزنامه آبرور لندن را اعدام کرد، امریکا، انگلستان و دولت‌های ائتلاف، کودتای رسانه‌ای تازه‌ای را علیه عراق به راه انداختند .

پس از انفجاری بزرگ در مجتمع نظامی اسکندریه در جنوب بغداد، بازفت، دافنی پاریش، پرستاری انگلیسی را متقاعد می‌کند که او را به محل وقوع انفجار ببرد. او در آنجا عکس و نمونه‌هایی از خاک تهیه و روز بعد سعی می‌کند تا عراق را ترک بگوید، ولی در فرودگاه بغداد به همراه عکس‌ها و نمونه‌های خاک، دستگیر می‌شود .

عراق دوباره به شخص پلید رسانه‌ها و دولت‌های غربی تبدیل شد. ولی هشت سال جنگ مخوف، هر دولتی را به واکنش مشابهی در برابر یک ایرانی وا می‌داشت. برای مثال، می‌توان به احساسات امریکاییان پس از سقوط سه

برج، اشاره کرد. کتاب دافنی پاریش، زندانی بغداد، هم تمام ادعاهای بی‌گناهی بازفت را رد می‌کند. تنها دو هفته بعد، دولت امریکا درخواست خرید عامل‌های شیمیایی را به شرکت‌ها ارائه داد. سفیر امریکا در عراق آوریل گلاسی، در ۲۵ جولای ۱۹۹۰ در کاخ ریاست جمهوری بغداد، به صدام اطمینان می‌دهد که ما در درگیری عرب با عرب شما مثل کویت، هیچ نظری نداریم. به من ابلاغ شده که دستورکاری را که به عراق در دهه ۱۹۶۰ داده شده بود، تأکید کنم مبنی بر اینکه مسئله کویت به امریکا مربوط نیست. در دوم آگوست ۱۹۹۰ عراق به کویت حمله کرد.

واکنش امریکا، همان‌طور که جیمز بیکر در طی حملات ۱۷ ژانویه ۱۹۹۱ تهدید کرده بود، تبدیل عراق به کشوری ما قبل صنعتی بود. در ۱۵ فوریه، در جلسه اولیه آتش بس، صدام حسین اعلام کرد: سال‌های ۱۹۸۸ و ۱۹۸۹ شاهد تبلیغات رسانه‌ها و خبرگزاری‌ها و مقامات امریکایی و ملت‌های دیگر برای زمینه‌سازی برای رسیدن به اهدافی شر (یعنی جنگ) بودند. ولی آیا هدف شر دیگری هم دخالت داشته است؟ آیا اصرار و حتی تهدید برای به دست آوردن مواد اولیه سلاح‌های شیمیایی، برای استفاده از آنها و سرزنش عراق بوده است؟ آیا ممکن است طرحی برای فدا کردن حتی نیروهای خودی برای به دست آوردن حمایت سازمان ملل در حمله به عراق وجود داشته است؟

در این میان شرکت‌های شیمیایی مقاومت کردند و تیونیل کلراید مورد نیاز برای رسیدن به هدف تولید را تأمین نکردند و پنج هفته بعد دولت بوش پیشنهاد توقف تولیدات اولیه را در مذاکرات خلع سلاح شیمیایی با شوروی ارائه کرد.

نتیجه می‌گیریم که ممانعت صنعت شیمیایی امریکا از ساخت مواد اولیه لازم برای سلاح‌های شیمیایی، دولت بوش را به پذیرش و تعهد کامل به خلع سلاح شیمیایی واداشت.

سلاح‌های شیمیایی که دولت امریکا استفاده کرده است، در ۷۵۰ تن از سلاح‌های اورانیوم رقیق شده بود. باید منتظر انتشار گنجینه دیگری از مدارک باشیم تا صحت نظریه فشار برای سلاح‌های شیمیایی مشخص شود. به هر حال، با توجه به تشابه تبلیغات رسانه‌ها در برابر دولت‌هایی با موقعیت کنونی سوریه و یقین تقریبی به استفاده شورشیان از سلاح‌های شیمیایی برای سرزنش اسد، همه این موارد ارزش در نظر گرفته شدن را دارند. همان‌طور که برایان بکر در مورد اتهامات صدام نتیجه می‌گیرد، مقاله واشینگتن پست در مورد طرح پیشنهادی آتش بس ۱۵ فوریه ۱۹۹۱، عنوانی با این مضمون داشت: «نظریه توطئه بغداد از تاریخ معاصر»، بعضی از نظریه‌های توطئه واقعی از آب در می‌آیند.